

هیچکس شما را نمی خواهد!

تابستان سال گذشته بود که در مقاله ای به نام «ما شما را نمی خواهیم!» از زاویه تفکر عرفی نوشتیم که با هر نوع حکومت دینی و ایدئولوژیک مخالفیم. با اینکه از شدت انزجار قشرهای مختلف مردم از «شما» خبر داشتیم، ولی نخواستیم از سوی «همه» سخن بگوییم و به همین منظور یادآور شدیم: «ما نمی گوییم «ملت» ایران شما را نمی خواهد، با این که در این واقعیت هیچ تردیدی وجود ندارد. ما می گوییم «ما» شما را نمی خواهیم!»

«ما» ملت شده ایم!

و سپس «ما» را چنین توضیح دادیم:

«ما» در اینجا شامل آن زنان و مردان ایرانی می شود که با هر دین و عقیده سیاسی که دارند و از هر قوم و نژادی که برخاسته اند و با هر زبان و فرهنگی که سخن می گویند و رفتار می کنند، به دلیل پایبندی به اصول دموکراسی و اصول مندرج در منشور جهانی حقوق بشر، خواهان برچیده شدن بساط حکومت دینی به هر شکل آن در ایران هستند. «ما» شامل کسانی می شود که به حکومت و جامعه عرفی (لایک و سکولار) اعتقاد دارند و دین و مذهب را موضوعی شخصی و خصوصی می شمارند. «ما» همه آن ایرانیانی هستیم که به آن مرتبه از خرد انسانی رسیده ایم که می توانیم بر پهنه ایران در کنار کرد و ترک و فارس و بلوچ و ترکمن و عرب و در کنار شیعه و سنی و مسیحی و زرتشتی و بهایی و یهودی و آته نیست و فرقه های مذهبی و عقیدتی که از دیرباز در گوشه و کنار ایران وجود دارند، با صلح و آرامش زیست نماییم، بدون آنکه یکی را بر دیگری از هیچ نظر برتری و امتیازی دهیم.»

از آن زمان حدود یک سال می گذرد و دامنه «ما» بیشتر و شتابانتر از آنچه گمان می رفت، گسترش یافت. امروز اکثر کسانی که روزی پایگاه «شما» در دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور بودند، همان «انجمن های اسلامی» که روزی علیه همکلاسی های دگراندیش خود جاسوسی می کردند و سبب اخراج بسیاری از دانشجویان با استعداد شدند، بسیاری از آنان را روانه زندان کردند و بسیاری دیگر را به پای چوبه های دار فرستادند، برای «شما» «رنجنامه» و «دردنامه» می نویسند.

این همان انجمن های اسلامی هستند که به شما می نویسند: «نارضایتی گسترده و حاکمیت فضای یأس از اصلاح طلبی در بین مردم، نظام سیاسی را با بحران مشروعیت جدی مواجه ساخته است.»

همانها هستند که شکایت می کنند: «وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی این روزها در کنار دادگاه انقلاب وحشیانه و به شکل هایی غیر انسانی اقدام به ربایش و ضرب و شتم دانشجویان و بازداشت شان می کنند.»

همانها هستند که حتا به رییس جمهور به اصطلاح منتخب مردم می گویند: «خجالت بکشید!... در محضر ملت از ملت عذرخواهی کنید و از رفتار کابینه تان خجل باشید!» هنگامی که به رییس جمهور «اصلاح طلب» چنین می نویسند، به آن دیگران چه خواهند نوشت که سر نخ بیش از دو دهه جنایت به آنها می رسد؟!

اینها همان دانشجویان «خط امام» هستند که به اصطلاح برای «استقلال» ایران از دیوار سفارت آمریکا بالا رفتند و برای پیشبرد «خط امام» سرکوب احزاب و گروههای مخالف و دگراندیش را تشویق می کردند و امروز که خود گرفتار شده اند، از درون زندان می نویسند: «درک و برداشت من از حکومت و دست اندرکاران آن صحیح نبوده است و از این حیث از مردم باید عذرخواهی کنم و این همان «گاف» ی است که در سیاست ایران مرتکب شدم». چند هزار زن و مرد و جوان در ایران قربانی این «گاف» شدند و یا از تحصیل محروم گشتند، یا کار خود را از دست دادند، یا روانه تبعید گردیدند، یا سالها عمر خود را در زندان بسر بردند و یا در گورهای بی نام و نشان و گورهای دستجمعی در خون خود تپیدند؟

«ما» امروز ملت شده ایم.

«شما» دشمن ملت!

اگرچه یک سال پیش نیز هیچکس در تعریف «شما» دچار مشکل نمی شد، لیکن در این مدت و به ویژه در هفته های اخیر، دست خود را بیشتر رو نمودید. دانشجویان و جوانان را «اخلاکگر» خواندید. اوباش چماق بدست و چاقو کشان خود را «مدافعان داوطلب کشور» نامیده و مردم را با به میدان کشیدن بسیج، سپاه و ارتش تهدید کردید. ولی خود خوب می دانید که به هیچکدام از اینان اطمینان نمی توانید کرد. زیرا هیچ کس برای رژیم که در حال فروپاشی است، در برابر مردم نمی ایستد و خود را قربانی نمی کند.

آن زمان از جمله نوشتیم: «شما همین حکومت دینی هستید که جان مردم را تا بدانجا به لب رسانده اید که «ایرانی غیور» و «اجنبی ستیز» امروز دست به دامان «بیگانگان» می شود تا وی را از شر «شما» نجات دهند. ایرانیانی که هنوز بار شرم مداخله روس و انگلیس و بعدها آمریکا را در میهن خود بر دوش می کشند، امروز هر یک به نوعی

خواهان «مداخله» خارجی هستند! و توضیح دادیم که این مداخله می تواند دعوت از آمریکا و متحدانش برای حمله نظامی به ایران باشد و یا دلالتی برای برقراری رابطه آمریکا با جمهوری اسلامی و سازش غرب با رژیم ملایان. ما با فاصله ژرف تاریخی که بین «ما» و «شما» وجود دارد اعلام کردیم:

«ما شما را نمی خواهیم! ما نمی خواهیم حکومت در انحصار روحانیون و یا مکملان شیعه جعفری اثنی عشری باشد. ما اصلا حکومت دینی یا ایدئولوژیک نمی خواهیم! ما از این که شما بر میهن گرمی ما حکومت می کنید در نزد تاریخ و جهانیان شرمساریم!»

ما هنوز هم شرمساریم. زیرا «شما» هنوز بر اریکه قدرت هستید. ما در برابر فرزندان و نوادگان خود نیز شرمساریم. ما حتا از اینکه دشمن ما، «شما» هستید، سرافکنده ایم که ملک الشعراى بهار شما را «بیسوادان حاکم» و «گروه بینوا و سفله» نامیده است. ما کمتر از یک سال «ملت» شده ایم و «شما» همواره دشمن ملت بوده اید. «شما» دشمن ملت هستید.

جهان با ماست!

یک سال پیش «ما» در جهان تنها بودیم. کسی را غم «ما» و ملت ما نبود. امروز هم نیست! لیکن سیاست جهانی به سود ما ملت تغییر کرده است. و هنگامی که تغییر سیاست جهان به سود «ما» باشد، قطعاً به زیان «شما» است. «شما» دربوزه هستید و حاضرید هر آنچه حيله و توطئه در آستین خود دارید به کار گیرید و هر آنچه حتا بر ضد به اصطلاح عقاید و شعارهایتان است انجام دهید، تا چند صباحی بیشتر بر سر قدرت بمانید. «شما» به دانشجویان، جوانان و زنان معترض ایران تهمت می زنید که «نوکر خارجی» و «خائن» هستید. لیکن این «شما» هستید که بر خلاف نعره های عوام فریبانه ای که علیه آمریکا در خطبه های نماز جمعه سر می دهید، در روزانه حتا حاضرید چهار دست و پا راه بروید و روی زمین بخزید تا جهان غرب و در رأس آن آمریکا به «شما» کاری نداشته باشد!

این شما هستید که با حمایت خارجی به روی کار آمدید. با سکوت جهان در برابر جنایت هایتان و حمایت سودجویانه اروپا به حکومت ادامه دادید. امروز نیز برای بقا به حمایت خارجی نیاز دارید. از همین رو در برابر عوام برای آمریکا خط و نشان می کشید و در خفا به دست و پا افتاده اید تا با شما مذاکره کنند!

«شما» نه غم ایران و تمامیت ارضی آن را دارید، نه غم ملت و مشکلات آن را. وای بر شما، که حتا غم دینی را که مدعی آن هستید و بر کرده های آن به قدرت رسیدید، ندارید، که اگر می داشتید، مردم امروز خواهان مرگ شما نمی بودند و آرزو نمی کردند که پیکرهای فربه شما را بر چوبه های دار ببینند!

شما نیز مانند صدام حسین به روسیه و برخی کشورهای اروپایی دل خوش کرده بودید. بر روی زمان حساب می کردید. ولی حقیقتاً که در سیاست، بیست و چهار ساعت زمانی بس طولانیست! در همین مدت، اروپا و روسیه نیز سکوت سودجویانه خود را شکستند. آنها نیز علیه «شما» کنار آمریکا قرار گرفتند. کفایت به رسانه های آنها اعم از تلویزیون و مطبوعات نگاهی بیندازید و ببینید که همان گزارشگرانی که تا چندی پیش از «اصلاحات» در ایران سخن می گفتند، چگونه با مخالفان شما گفتگو می کنند و چگونه از رفتن «رژیم ملایان» و «آخوندهای ریشو» می نویسند. «شما» روزی را که بتوانید «یک دست تروریسم و یک دست بمب اتمی» از جهان باجگیری کنید، هرگز نخواهید دید. زیرا همین دو «نقطه ضعف» بسیار کوچک است که شما را برای جهان تحمل ناپذیر می سازد. تا کنون جهان اعتنایی به شما نداشت. زیرا خطر ویرانگری را که از سوی امثال شما و یاراتان جهان را تهدید می کرد، جدی نمی گرفت. ورق اما برگشت.

شما به امروز و به این جهان تعلق ندارید. یا باید مانند صدام حسین و ملا عمر و بن لادن گم و گور شوید. یا مانند چارلز تیلور رییس جمهور لیبریا کشور را ترک کنید. برای شما شاید گم و گور شدن آسانتر باشد. زیرا حکم پیگرد بین المللی شما یک ماه و نیم پیش از شروع «پروژه اصلاحات» در رابطه با قتل فجیع رهبران کرد در آلمان صادر شده و اتفاقاً یکسال و نیم پس از جنجال «اصلاحات» این حکم قطعی شد. با شکایتهای دیگری که علیه شما دادگاه های بین المللی در راه هستند، کجا را دارید که بروید؟!

امروز «ما» تنها نیستیم. جهان با ماست. «ما» که ملت شده ایم، «شما» را که دشمن ملت هستید، نمی خواهیم. جهان شما را نمی خواهد. هیچکس شما را نمی خواهد!